



## یادداشت

گرانبهاترین هدیه نوروز برای مردم پایان جنگ و برقراری صلح است

صادق کار



فردا نوروز دیگری فرا می رسد، نوروزی متفاوت با همه‌ی نوروزها. نوروز امسال در شرایطی از راه می رسد که مردم کشور ما داغدار هزاران نفر از بستگان و جوانانی هستند که در جریان جنبش انقلابی دی ما علیه استبداد، فقر، بی عدالتی و آینده نامعلوم و انواع تبعیضات و فشارهای سیاسی و اقتصادی برای سرنگون کردن رژیم به خیابان آمدند، اما با اتهامات جعلی به بیرحمانه ترین شکل به قتل رسیدند. همچنین مردم داغدار هزاران هموطنی هستند که در جنگ تجاوزکارانه و استعماری تحمیل شده توسط امریکا و اسرائیل زیر بارانی از موشکها و بمب های سنگر شکن کشته و زخمی شده‌اند، خانه هایشان ویران گردیده و میلیونها نفرشان آواره شده و یا شغل و منبع تامین معیشت خود و خانواده هایشان را از دست داده‌اند و زیر ساختهای مهم کشورشان منهدم شده است. این مصیبتها شور و شوق جشن نوروز را از مردم گرفته است.

بله نوروز خجسته و مبارک است و نوید بخش خرمی که در هر حال همیشه به موقع خود آمده است و خواهد آمد. اما با این همه غم و فشار که بر مردم کشور ما از آسمان و زمین می بارد اگر چه شور و شوق زیادی برای جشن و پایکوبی باقی نمانده، ولی مقدم آنرا با همبستگی و کمک به یکدیگر برای پیروزی بر دشمنان متجاوز خارجی و مستبدان داخلی با آرزوی آمدن نوروزها و بهاران بهتر گرامی می داریم و فرخنده نوروز را به همه ی هموطنان عزیز شادباش می گوئیم

نوروز امسال متفاوت تر از همه‌ی نوروزهایی نیم قرن گذشته است، و متأسفانه حال و هوای نوروز های گذشته را ندارد. استطاعت مردم کمتر شده است، دغدغه عده زیادی از مردم امسال تغییر کرده است. اگر سالهای گذشته دغدغه اصلی خیلی ها شیرینی و میوه و لباس نو بود، امسال دغدغه آنها نان، نداشتن درآمد، ناروشن بودن وضعیت اشتغال و امنیت جانی است

تنها طی سه هفته در اثر بمبارانهای متجاوزان اسرائیلی و امریکایی هزاران کارخانه، محل کسب و کار و محل زندگی غیر قابل استفاده شده، صدها هزار نفر از مردم از کارگر و معلم و کادر درمان گرفته تا کودک دانش آموز، دست فروش و صاحبان کسب و کار مشاغل خود را از دست داده‌اند و شمار زیادی از آنان به قتل رسیده‌اند

جنگ تنها صدها هزار کارگر ساختمانی را بیکار و چنان فقیرتر نموده که حتی امکان تهیه نان خود را ندارند. هزاران کارگر ماهاست که حقوق خود را نگرفته‌اند. شب عید در شرایطی فرا می رسد که که غرش موشکها و بمب های سنگر شکن همچنان شبانه روز مشغول کشتار مردم و تخریب زیر ساختهای اقتصادی



و خدماتی کشور ما هستند و مستبدین حاکم بساط اعدام و بگیر و ببند کم ماندی را به بهانه جنگ به راه انداخته‌اند.

این جنگ که به بهانه دروغین کمک به مردم شروع شد فقط جنبش مردم کشور ما را در نیمه راه به بیراهه نبرد و ده‌ها هزار نفر از جوانان و نوجوانان وطن ما را روانه قتلگاه و زندان و بیمارستان نکرد، به رژیم بهانه داد تا نسلی از آزادیخواهان کشور ما را به خاک و خون بکشد، زندانها را از مبارزان سر ریز کند، حکومت نظامی در کشور برقرار کند و افراطی ترین نیروهای حکومتی را میداندار سیاست نماید.

بله نیروهای طرفدار جنگ، جنگ تا پیروزی و معتقدان جنگ نعمت است اکنون سر رشته همه ی امور را در دست گرفته‌اند، برآمد بدون رقیب آنان مدیون تجاوز جنایتکارانه دو قدرت بزرگ و وحشی جهان است که به هیچ چیز غیر از برآورده کردن خواسته های خود به هر قیمتی نمی اندیشند. تنها چیزی که نزد آنان محلی از اعراب ندارد، دموکراسی، آزادی و حقوق بشر است که در عمل این بی اعتقادی را در نقاط مختلف جهان از غزه و فلسطین گرفته تا ونزولا و کوبا حتی در قبال متحدین ۸۰ ساله خود نشان داده‌اند.

نیروهای نظامی ایران نیز با حملات خود به کشورهای هم پیمان امریکا در منطقه و اسرائیل تلاش می کنند حملات اسرائیل و امریکا را تلافی نمایند، با این وصف تخریب کشورهای دیگر در این موازنه نا برابر، کمکی به التیام درد و رنج، آوارگی و تخریب کشور ما نمی نماید.

ادامه این جنگ نابرابر امپریالیستی گرچه هزینه های سیاسی، نظامی و اقتصادی هم به متجاوزان وارد می آورد، اما تداوم آن از هر لحاظ که نگریسته شود به زیان همه ی کشورهای درگیر به استثنای دولت اسرائیل است. سود آنرا دولت اسرائیل با تحمیل هزینه سنگین اقتصادی و نظامی به ایران می برد. اصرار به تداوم جنگ بهر حال بسود مردم کشور ما نیست و پایان دادن به جنگ و برقراری صلح شاید مهمترین هدیه نروزی به مردم ما در نوزده امسال باشد. پس بیایید دست بدست هم دهیم، پرچم صلح و آزادی را برافرازیم و تلاش کنیم میهن خود را به کمک هم کنیم آباد و آزاد. آزاد از جنگ، از استبداد، از تبعیض و از بی عدالتی

**همه با هم برای پایان دادن به جنگ میهن سوز و برقراری صلح و آزادی متحدانه مبارزه کنیم!**

منشاء های تاریخی فقر در کشورهای در حال توسعه بخش دوازدهم

فصلی از کتاب راهنمای آکسفورد در باره فقر و جامعه

سامبیت بهاتچاریا



نقش مدرن از جنگ کاهنکارا و دستگیری آناهالیا



## 3. چارچوب یکپارچه - ادامه

### 3.1 اروپای غربی

اروپای غربی از انتقال بذرها و تکنولوژی کشاورزی از شرق بهره‌مند شد. کشاورزی سازمانیافته و مولد حدود 11 هزار سال پیش در "هلال حاصلخیز" آغاز شد. جمعیت محلی گونه‌های وحشی گندم و جو امروزی را که در "هلال حاصلخیز" فراوان بودند، اهلی کردند. آنان همچنین پستانداران بزرگ را اهلی کردند که منبع قابل اتکایی از پروتئین به شمار می‌رفتند. این محصولات همراه با انسانها به سوی غرب و به اروپا مهاجرت کردند. در نتیجه، کشاورزی سازمانیافته حدود ۹ هزار سال پیش در اروپا آغاز شد.

کشاورزی، مازاد مواد غذایی و شیوه زندگی یکجانشین باعث افزایش جمعیت انسانی در اروپا شد. افزایش جمعیت فشار بیشتری بر زمینهای قابل کشت وارد کرد و این امر به درگیریهایی مسلحانه مکرر میان روستاها و قبایل انجامید. این درگیریها و جنگها ایجاد نهادهایی پیچیده تر و هیرارشیک تر در درون جامعه را ضروری ساختند. همچنین جنگها به پیشرفتهای تکنولوژیک، به ویژه در متالورژی (فلزکاری) انجامیدند که این خود تأثیرات مثبت مستقیمی بر کشاورزی داشت. بهره‌وری کشاورزی بیشتر شد و جامعه انسانی نسبت به جوامع اولیه شکارچی - گردآورنده پیچیده تر گردید.

با وجود چنین پیشرفتهایی، انسانها در اروپای غربی هنوز به سطح جوامع صنعتی مدرن نرسیده بودند. به دلیل کشاورزی فشرده و افزایش تراکم جمعیت، انسانها در کنار حیوانات اهلی و سایر انسانها زندگی می‌کردند. این وضعیت به شیوع مکرر بیماریهای مرگبار و واگیردار مانند وبا، طاعون خیارکی و آبله انجامید. هرچند شیوع مکرر این بیماریها تلفات سنگینی بر جمعیت انسانی اروپای غربی وارد کرد، اما در عین حال به تقویت ایمنی زیستی نیز انجامید. افزون بر این، چنین شرایطی توسعه هنر کیمیاگری و پزشکی اولیه برای درمان بیماریها را نیز ضرور ساخت.

در قرون وسطی، سرمایه‌گذاری در علم و تکنیک همراه با افزایش ایمنی در برابر بیماریها، جمعیت انسانی را بیش از پیش افزایش داد. رشد تقاضا برای غذا، کشاورزی فشرده تر و بهره‌گیری از بازدهی فزاینده نسبت به مقیاس در تولید کشاورزی را ضرور ساخت. اندازه مزارع به تدریج بزرگ و بزرگتر شد. ابزارهای جدید کشاورزی همراه با شیوه‌های نوین کشت، بهره‌وری کشاورزی را بیش از پیش افزایش دادند. حفاظت از مازاد غذایی و زمینهای کشاورزی در برابر یورشهای مکرر مسلحانه از سوی روستاها و قبایل دیگر، ایجاد نیروی نظامی تمام وقت را ضرور ساخت. در این مرحله، تجدید سازماندهی پیچیده‌ای در ساختار جامعه رخ داد. رهبران نیروهای نظامی به تدریج جایگاه برجسته‌تری در جامعه پیدا کردند. این رهبران، در مقابل خدمات نظامی خود، حق تصاحب بخشی از محصول کشاورزی را برای خود به کرسی نشانند. چیزی که در جوامع مدرن آن را مالیات می‌نامند، از همین جا شکل گرفت. با شکلگیری مالیات، نیاز به حسابداری و ثبت و ضبط این که چه کسی چه مقدار و در چه زمانی پرداخت کرده است و می‌کند نیز به وجود آمد. در نتیجه، نهادها به تدریج رسمی تر و سازمانیافته تر شدند.

در اواخر قرون وسطی، با افزایش تراکم جمعیت، حرص و طمع نخبگان فنودال اروپایی برای تقویت خزانه‌های خود از طریق جنگ افروزی و تصرف سرزمینهای جدید نیز افزایش یافت. در این دوره، اروپای غربی عملاً شاهد درگیریهایی مسلحانه تقریباً بیوقفه‌ای بود. افزایش نقش و برتری نظامی در جامعه به پیدایش نوع جدیدی از سازمان اجتماعی انجامید. نخبگان فنودال اغلب ائتلافهایی - گاه بر پایه خطوط قومی - شکل



می‌دادند و به تدریج به صورت یک دولت-ملت امپراتوری تحت فرمان پادشاه ظاهر می‌شدند. درگیریهای مکرر و فرهنگ جنگ افروزی خزانه های پادشاهان اروپای غربی را تضعیف کرد. آنان به دنبال منابع دیگری برای غارت ثروت برآمدند. پادشاهان اسپانیا و پرتغال سفرهای اکتشافی را برای کشف مسیرهای مستقیم تجاری به شرق و حذف واسطه های عربی سازماندهی کردند. همچنین، روایتها در باره ثروتهاى عظیم شرق (به ویژه فلزات گرانبهائی مانند طلا) الهامبخش آنان بود.

جستجوی آنان برای فلزات گرانبها، هرچند به طور تصادفی، نه در شرق بلکه با رسیدن به سواحل آمریکای جنوبی به ثمر نشست. باج کلانی که فرانچسکو پیزارو به صورت طلا برای آزادی آتاهوالپا پس از نبرد کاخامارکا دریافت کرد، نمونه‌ای گویا از حرص امپراتوری اروپای غربی برای فلزات گرانبهاست.\*

\*در سال 1532 فرانچسکو پیزارو، فاتح اسپانیایی آمریکای جنوبی، با نیروهای اندکی به امپراتوری اینکا حمله کرد و در نبردی به نام نبرد کاخامارکا، آتاهوالپا، امپراتور اینکا، را اسیر کرد. آتاهوالپا برای آزادی خود پیشنهاد عجیبی داد: یک اتاق بزرگ پر از طلا و دو اتاق بزرگ نقره، به ازای آزادی او.

اسپانیاییها این پیشنهاد را پذیرفتند. مقدار عظیمی طلا و نقره از سراسر امپراتوری اینکا جمع‌آوری، و به پیزارو تحویل شد. اما پیزارو به وعده خود عمل نکرد و آتاهوالپا را کشت.

## چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!

حمله اسرائیل به صنعت گاز و نفت ایران در پارس جنوبی محکوم است

صادق



تجلیل دبیر کل از وزیر و وکیل بخاطر دستمزد ۶۰ درصد کمتر از هزینه زندگی

ع، امید

شورای عالی کار به سیاق همه ی سالهای گذشته، همچنان که انتظار می رفت، در راستای تداوم سیاست حکومت برای منجمد نگه داشتن دستمزدها، حداقل دستمزد کارگران را با ۶۰ درصد افزایش زیر ۱۷ میلیون یعنی معادل یک سوم هزینه های زندگی حداقلی تثبیت کرد. سایر سطوح مزدی غیر حداقل بگیران را نیز ۲۵ درصد افزایش داد. بیشتر آیتم های مزدی را نیز بدون افزایش گذاشت. تنها با این تفاوت که امسال پذیرفت، ۶ ماه دیگر یعنی در نیمه سال در صورت رشد تورم مصوبه خود را اصلاح کند. سال گذشته نیز البته قرار بود این کار را انجام دهد اما از آن با وجود رشد شدید تورم امتناع کرد.



امسال به رغم گذشت تورم نقطه به نقطه مواد غذایی از ۱۰۰ درصد و سر به آسمان کشیدن قیمت کالاهای اساسی و هزینه های زندگی، شورای عالی کار ذره‌ای تخفیف در سیاست مزدی خود بوجود نیاورد

علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر در واکنش به تصمیم شورای عالی کار حکومتی گفت:

برادران گروه کارگری ما در شورای عالی کار با تلاشی مثال زدنی و تشریح کامل مبنای میزان افزایش " حداقل دستمزد، مسیر را برای اتخاذ یک تصمیم سه جانبه هموار کردند و البته همراهی گروه کارفرمایی نیز محسوس بوده است... و در ادامه افزود، درک صحیح آقای میدری از موضوعات اقتصادی و تعهد ایشان به جلوگیری از سرکوب مزدی تحت هر شرایطی، راه را برای یک توافق متوازن هموار می‌کند. اکنون کامل روشن شده است که با حضور میدری در راس وزارت کار، سیاست «اقناع» سرلوحه مذاکرات است و از خط توجه به "سبد معیشت خانوار و افزایش مزد بیش از تورم خارج نخواهد شد

محبوب در جای دیگری از این مصاحبه گفت، " یک کارگر متاهل با بُعد خانوار ۲.۳ نفر حدود ۲۵ میلیون تومان "دریافتی خواهد داشت که کمتر از ۶۰ درصد سبد خواهد بود

البته سببی که محبوب از آن نام می برد سبد حداقلی است که با سبد واقعی فاصله زیادی دارد، با این اوصاف خود او اذعان می کند که دستمزد یک کارگر متاهل اگر ۳ فرزند یا بیشتر داشته باشد با همه ی آیتم های مزدی از حق اولاد گرفته تا حق مسکن ۲۵ میلیون تومان خواهد بود که ۶۰ درصد کمتر از همان سبد قلابی هزینه هاست که رفقای محبوب ابداع کرده‌اند. حال این سوال پیش می آید که دستمزدی که بقول محبوب ۶۰ درصد کمتر از سبد خواروبار حداقلی است، به چه دلیل باید فتح الفتوح تلقی شود و عوامل آن از وزیر و نمایندگان کارفرمایی گرفته تا نمایندگان "کارگری" مورد ستایش جناب دبیر کل واقع شوند؟

البته اظهارات برخی دیگر از کارشناسان از جمله مسعود نیلی کسی که در طرفداری وی از اتاق بازرگانی ذره‌ای شک و تردید وجود ندارد و یکی از اعضای موسوم به فراکسیون کارگری در شورای شهر نظر داده‌اند و حداقل یکی از آنان مانند محبوب ادعای کارگری و طرفداری از کارگر ندارد متفاوت است

حال اگر گفته مسعود نیلی که می گوید، طی پنج سال گذشته، "رشد دستمزد کمتر از نصف نرخ تورم بوده است" را در نظر بگیریم دستکم در بازه زمانی پنج ساله، دستمزدها هر سال مرتباً ۵۰ درصد نسبت به تورم همان سال سقوط کرده است. البته این سقوط محدود به همین پنج سال اخیر نبوده است و طی ۴۵ سال گذشته نیز قضیه به همین صورت بوده است

آقای محبوب روز روشن در مورد وزیر کار دروغ می گوید و فکر می کند کارگران دست پخت آقای وزیر در تعیین دستمزد کمتر از تورم رسمی ۵۰ درصد سال گذشته را فراموش کرده‌اند. محبوب فریبکاران سعی می کند به کارگران بقبولاند که امسال به دلیل وضعیت خاص کشور دستمزدها را ۶۰ درصد کمتر از هزینه ها در نظر گرفته‌اند، اما همه می دانند که در سالهایی که جنگ نبوده قضیه حتی در هنگام سرازیر شدن دلارهای نفتی در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد دستمزدها کمتر از نرخ تورم "فزایش" داده شده است

افشین حبیب‌زاده، عضو فراکسیون کارگری شورای شهر سابق، که منتقد افزایش دستمزد بر اساس تورم عمومی است و از ملاک قرار دادن تورم نقطه به نقطه مواد غذایی حمایت می کند، می پرسد که این فاصله‌ای را که بقول مسعود نیلی طی پنج سال در اثر افزایش نیمی از تورم بوجود آمده چگونه باید پر کرد؟ اگر اظهارات وی را در نظر بگیریم معلوم می شود که امسال نیز دستمزدها ها کما فی سابق به رغم عقب



افتادگی پنج ساله کمتر از ۵۰ درصد و به زعم وی اگر بر اساس تورم نقطه به نقطه ماهانه مواد غذایی محاسبه می شد ۶۰ درصد کمتر از هزینه ها تعیین شده است و طبیعی است که این شکاف با وجود رشد شتابان تورم و هزینه های زندگی نسبت به سالهای پیش بیشتر شود.

او سپس با ذکر آماری از عدم تناسب میان افزایش دستمزدها با رشد قیمتها می نویسد، "اگر بازه دی ۱۳۹۹ تا دی ۱۴۰۴ را مینا قرار دهیم، حداقل مزد طی این پنج سال در مجموع حدود ۵.۴ برابر شده است؛ یعنی افزایشی معادل ۴۴۲ درصد. این رشد حاصل افزایشهای مصوب سالانه بوده و از نظر اسمی عدد کوچکی نیست. اما در همین بازه، قیمت کالاهای مصرفی بر اساس تورم نقطه به نقطه دی هر سال، در مجموع حدود ۱۰.۷ برابر شده است؛ یعنی نزدیک به ۹۶۷ درصد افزایش. به بیان دیگر، قیمت کالاها تقریباً دو برابر سرعت رشد دستمزد افزایش یافته اند.

در حوزه خوراکی ها وضعیت شدیدتر است. شاخص قیمت خوراکی ها طی این پنج سال حدود ۱۲.۸ برابر شده است؛ معادل افزایشی بیش از ۱۱۸۰ درصد. در برابر چنین جهشی، رشد ۵.۴ برابری مزد تنها حدود ۴۲ درصد از این افزایش را جبران کرده است

اگر وضع به این گونه شده که می بینیم بخاطر نادانی صاحبان قدرت به شمول وزیر کار و محبوب و غیره نیست. منجمد کردن دستمزدها در حد یک سوم هزینه های زندگی سیاست همیشگی حکومت است که ده ها سال است دنبال می شود و این جماعت نقش توجیه و عملیاتی نمودن آن را به عهده دارند. اما اگر صاحبان قدرت و ثروت و گماشتگان آنان با آسودگی خیال سالهاست به این رویه استثمارگرانه خود ادامه می دهند، نتیجه نداشتن تشکل مستقل و استبداد سرکوبگر است که مانع سازمانیابی شده است. با این وصف هیچ راه و چاره دیگری برای پایان دادن به این دور باطل غیر از سازمانیابی نیست و باید راهی برای آن پیدا کرد

## برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی!

تاوان جنگ و تحریم های اقتصادی را مردم می پردازند، ما مخالف جنگ و

تحریمهای اقتصادی فقرآور هستیم!



حمله به میدان گازی پارس جنوبی؛ آسیب به چند فاز در عسلویه

این حمله اسرائیل که به گفته اکسیوس با چراغ سبز آمریکا رخ داده، نشانه ای از تغییر در ماهیت درگیری هاست. خبرگزاری فارس این وضعیت را ورود به مرحله ای از «جنگ اقتصادی» توصیف کرده و هشدار داده است که هدف قرار گرفتن زیرساخت های انرژی ایران می تواند پیامدهایی فراتر از میدان نظامی داشته باشد و بر بازارهای منطقه ای و جهانی اثر بگذارد.



رسانه‌های ایران خبر دادند که بخش‌هایی از تأسیسات گازی و پتروشیمی در منطقه عسلویه، در جنوب کشور، در پی حملات آمریکا و اسرائیل هدف قرار گرفته‌اند. همزمان، یکی از رسانه‌های آمریکایی به نقل از مقام‌های اسرائیلی، مسئولیت این حمله را به نیروی هوایی اسرائیل نسبت داده است.

## ما از مبارزات تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت حمایت و برای تحقق آن مبارزه می‌کنیم!



رفع آثار سو مدیریت و جنگ سال‌ها طول میکشد

کاوه مدنی، مدیر موسسه آب، محیط زیست و بهداشت دانشگاه سازمان ملل متحد، برنده جایزه معتبر «آب استکهلم» در سال ۲۰۲۶ شد. او در پیامی با تجلیل از فعالان محیط زیست، از جمله کاووس سیدامامی، یاد آنان را گرامی داشت و به وضعیت زندانیان محیط زیستی در ایران اشاره کرد.

آقای مدنی با اشاره به جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران، پیامدهای تخریب محیط زیست، آلودگی منابع آبی، باران اسیدی ناشی از انفجارها و آلودگی‌های نفتی در خلیج فارس را یادآور شد و تأکید کرد این آسیب‌ها و نتایج سوء مدیریت، آثار بلندمدت بر منطقه خواهند داشت.



حمایت از فعالان سندیکایی در ایران: پخش‌ان عزیز، وریشه مرادی و شریفه محمدی - آخاندر اورتگا فوننتس، برگردان: حمید حسینی

*آخاندر اورتگا فوننتس، مسئول کشورهای عربی، آفریقا و آسیا در دبیرخانه امور بین‌الملل و همکاری "کمیسیون‌های کارگری" اسپانیا است*

ایران، میان سرکوب دولتی و کنشگری سندیکایی

اگر پیش از آغاز جنگ درک گسترده نارضایتی‌ها در میان طبقه کارگر بسیار متنوع ایران که زیر فشار سرکوب شدید قرار دارد دشوار بود، در شرایط کنونی رصد و پیگیری فعالیت‌های سندیکایی بسیار دشوارتر خواهد بود.



آزادی‌های سندیکایی در ایران در طول رژیم تئوکراتیک کنونی کشور به شدت محدود شده‌اند، همان‌گونه که در دوران رژیم شاه نیز محدود بودند. این وضعیت باعث خفه شدن معدود ابتکارهای شکل‌گیری سندیکایی مستقل و خودمختار از قدرت سیاسی شده است. سازمان‌هایی که تلاش کردند در برابر رژیم فعلی حاکم بر ایران مقاومت کنند و هویت خود را حفظ نمایند، به‌عنوان «سازمان‌های چپ‌گرا» معرفی و غیرقانونی اعلام شدند.

در حال حاضر، با وجود آنکه آزادی تشکلهای کارگری در قانون به رسمیت شناخته شده است، محدودیت‌ها بسیار گسترده‌اند و چارچوب حقوقی از طبقه کارگر ایران در برابر تبعیض ضد سندیکایی حمایت نمی‌کند. همان‌طور که در بسیاری از نظام‌های دیکتاتوری رایج است، سندیکایی موسوم به «خانه کارگر» که در سال ۱۹۹۰ تأسیس شده است از جانب رژیم تشویق و تأمین مالی می‌شود؛ نهادی که کاملاً تابع معیارهای مقامات و کارفرمایان ایرانی است. در چنین شرایطی انتخاب آزادانه نمایندگان رسمی کارگران امکان‌پذیر نیست و عضویت در سندیکاهای مورد نظر کارگران نیز تسهیل نمی‌شود.

بدیهی است که این نهاد یک سازمان سندیکایی واقعی نیست، بلکه سازمانی تعاونی با چندین میلیون عضو است که در وزارت کشور ثبت شده و برای نمونه با تعهدات دولت نسبت به سازمان بین‌المللی کار موضعی انتقادی دارد، هرچند در هیئت رسمی‌ای که هر سال برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی کار، به ژنو اعزام می‌شود نیز مشارکت می‌کند. ساختارهای پایه آن نهادهایی هستند که به «شوراهای اسلامی کارگران» معروف‌اند.

ایران که از ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹، عضو سازمان بین‌المللی کار است، (سال تأسیس این نهاد)، تاکنون تنها پانزده مقاله نامه و یک پروتکل این سازمان را تصویب کرده است و حتی همین تصویب‌ها نیز چه در دوره پهلوی و چه در دوره جمهوری اسلامی روندی دشوار و طولانی داشته‌اند. در دوازده ماه گذشته نیز هیچ مقاله نامه یا پروتکل جدیدی تصویب نشده است. در میان موارد تصویب‌شده می‌توان به مقررات مربوط به کار اجباری، برابری دستمزد، مبارزه با بدترین اشکال کار کودکان، ایمنی و بهداشت در کار و سیاست‌های اشتغال اشاره کرد؛ مواردی که در ایران کنونی به‌طور مداوم نقض می‌شوند. افزون بر این، ایران مقاله نامه‌های بنیادین مربوط به آزادی تشکل، مذاکره جمعی، تعیین حداقل دستمزد، مزایای ازکارافتادگی، مستمری‌ها و مزایای پس از فوت، اشتغال خانگی و مقابله با خشونت و آزار در محل کار را تصویب نکرده است؛ امری که سرکوب نظام‌مند طبقه کارگر ایران را تداوم می‌بخشد.

اگرچه این الگو در بسیاری از نظام‌های دیکتاتوری دیده می‌شود، در ایران نیز وزارت کار و امور اجتماعی مسئول تشکیل «شوراهای اسلامی کار» در کارگاه‌هایی است که بیش از ۳۵ کارگر دائمی دارند. افزون بر این، کارگران مناطق آزاد صنعتی، بخش کشاورزی، شرکت‌هایی با کمتر از ده کارگر، کارکنان خدمات خانگی و البته افرادی که در اقتصاد غیررسمی فعالیت می‌کنند، از هرگونه حمایت سندیکایی، حق مذاکره جمعی، قرارداد کار و حق اعتصاب (که ممنوع است و با مجازات‌های سنگین روبه‌رو می‌شود) محروماند.

به این ترتیب رژیم ایران مجموعه‌ای گسترده از «سازمان‌های کارگری» ایجاد کرده است که از سطوح محلی و استانی تا سطح ملی ساختارهایی را در محیط کار شکل داده‌اند که کنترل کامل بر طبقه کارگر را اعمال می‌کنند و حق ایجاد سندیکاهای آزاد و مستقل را از آنان سلب می‌نمایند.



برای مثال، کارگران بخش‌های مهمی از اقتصاد ایران مانند صنایع پتروشیمی اجازه ندارند به‌طور مستقل سازمان‌دهی شوند و به‌صورت اجباری در همین ساختارها سازمان‌دهی می‌شوند. این نوعی سیستم «مثلثی» کنترل است که در سه سطح مختلف اعمال فشار می‌کند. در عین حال رژیم ایران تلاش می‌کند این سازمان‌ها را در عرصه بین‌المللی نیز مطرح کند و با تلاش‌هایی برای عضویت در «کنفدراسیون بین‌المللی» به آنها مشروعیت ببخشد (CSI) اتحادیه‌های کارگری

سندیکالیسم فعال در ایران

با وجود همه این محدودیت‌ها، جنبش کارگری ایران همواره و همچنان ظرفیت قابل توجهی برای مقاومت نشان داده است؛ ظرفیتی که احتمالاً در شرایط جنگ کنونی ناشی از تهاجم خارجی ایالات متحده و اسرائیل نیز به آن نقشی مهم خواهد داد. با وجود بحران فعلی، احتمال دارد جنبش کارگری ایران همچنان عنصر کلیدی برای فهم پویایی‌های سیاسی و اجتماعی آینده ایران باقی بماند.

این جنبش با تاب‌آوری قابل توجهی توانسته در نظام‌های سیاسی مختلف—از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی—فعالیت کند و خود را با شرایط گوناگون سرکوب، از دوران صنعتی شدن اولیه ایران تا اعتراض‌های کارگری سال ۲۰۲۵ و اوایل ۲۰۲۶ علیه ناامنی شغلی، تورم شدید و بحران‌های پی‌درپی، تطبیق دهد. از فعال‌ترین بخش‌ها می‌توان به حمل‌ونقل شهری، معلمان و صنعت پتروشیمی اشاره کرد.

طبق گزارش‌های «کنفدراسیون کار ایران در خارج از کشور» که در سال ۲۰۲۴ در برلین توسط گروهی از سندیکالیست‌ها، روزنامه‌نگاران و مدافعان حقوق زنان در تبعید تأسیس شد، تنها در سال ۲۰۲۴ دست‌کم ۲۳۹۶ تجمع اعتراضی و ۱۶۹ اعتصاب در بخش‌های مختلف رخ داده است. این آمار نشان‌دهنده پویایی، مشخصه‌ای قابل توجه در اعتراض به شرایط نامناسب زندگی، ناامنی شغلی و فشارهای ناشی از ساختارهای اداری و اقتصادی ناکارآمد کشور است. این اعتراض‌ها در ۳۱ استان و ۷۰ شهر ایران گسترش یافتند. در گزارش‌های بعدی مؤسسه «فعالین داوطلب» (تأسیس ۲۰۱۱ در تهران) نیز از ژوئیه تا دسامبر ۲۰۲۵ حدود ۴۷۱ اعتراض کارگری ثبت شده است.

در ایران کنونی تنها دو سازمان کارگری با فعالیتی نسبی باقی مانده‌اند:

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

انجمن صنفی معلمان تهران

اولی که در سال ۱۹۵۸ تأسیس شده بود و بیش از بیست سال تعطیل بود، توانست فعالیت خود را با تمرکز بر مسائل ایمنی و سلامت در کار از سر بگیرد. دومی نیز که در دوره شاه فعالیت بیشتری داشت، هنوز چند دفتر منطقه‌ای در شهرهای مختلف ایران دارد و در مقاطع مختلف در اعتراض‌های گسترده برای «کار شایسته» و علیه خصوصی‌سازی مدارس نقش داشته است.

اعتصاب‌ها برای پرداخت دستمزدها، مخالفت با خصوصی‌سازی و اعتراض به ناامنی شغلی روزبه‌روز رایج‌تر شده‌اند. در برخی موارد این اعتراض‌ها با جنبش‌های اجتماعی گسترده‌تر و اعتراض‌های دانشجویی مرتبط با برابری جنسیتی، فساد یا نبود آزادی‌های سیاسی همزمان شده‌اند.



هنوز باید دید تحولات ناشی از حملات ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران که موجب تشدید سریع تنش‌ها با پیامدهای انسانی و دیپلماتیک جدی شده‌اند چگونه پیش خواهند رفت و تا چه حد سندیکالیسم شکننده ایران—در صورت دریافت حمایت بین‌المللی—می‌تواند از طبقه کارگر ایران که اکنون حتی بیش از گذشته آسیب‌پذیر شده است محافظت کند.

اگر پیش از آغاز جنگ نیز درک گستره شکایات و اقدامات سندیکایی در میان طبقه کارگر متنوع ایران دشوار بود، اکنون با وضعیت داخلی ایران و شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی، نظارت بر فعالیت‌های سندیکایی بسیار دشوارتر شده است؛ چرا که توجه رسانه‌ها عمدتاً به جنگ معطوف شده و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی در کشور تا حد زیادی محدود شده است.

جمهوری اسلامی ایران: الگویی مکرر از نقض حقوق کار و سندیکاها

در ژوئن ۲۰۲۵ در کمیسیون اجرای استانداردهای کنفرانس بین‌المللی کار (۱۱۳مین نشست در ژنو)، برای آخرین بار پرونده جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مقاله نامه شماره ۱۱۱ درباره تبعیض در اشتغال و حرفه (مصوب ۱۹۵۸) بررسی شد. در آن جلسه—تنها نه ماه پیش—دولت‌ها، کارفرمایان و اتحادیه‌های کارگری (از جمله کمیسیون‌های کارگری) درباره وضعیت اجرای این مقاله نامه و به‌طور کلی رعایت استانداردهای کار در ایران بحث کردند.

دهه‌هاست که این کمیسیون وضعیت ایران را به دلیل نقض استانداردهای بین‌المللی کار بررسی می‌کند؛ الگویی که نشان‌دهنده نبود پیشرفت اساسی در تقریباً تمام حوزه‌های کارگری کشور است، به‌ویژه در مورد تبعیض‌های قانونی و عملی علیه زنان، اقلیت‌ها و دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر.

علاوه بر این، ایران همواره در سازوکارهای نظارتی سازمان بین‌المللی کار—به‌ویژه در کمیته آزادی تشکل—به دلیل نبود آزادی‌های سندیکایی، تبعیض علیه زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر، شرایط ناامن و خشونت و آزار در محل کار و سرکوب فعالیت‌های سندیکایی مستقل مورد انتقاد و بررسی‌های فراوان قرار گرفته است.

کمیسیون‌های کارگری و حمایت تاریخی از جنبش سندیکایی ایران

کمیسیون‌های کارگری طی سال‌ها با ارسال نامه‌های اعتراضی متعدد به مقامات ایران تلاش کرده است دولت این کشور را به رعایت تعهدات بین‌المللی خود وادار کند و همزمان از مقامات اسپانیایی و اروپایی خواسته است که بر اجرای این تعهدات فشار بیاورند.

این سندیکا بارها نیز خواستار تعلیق مجازات اعدام و آزادی زندانیان سیاسی، اعضای اپوزیسیون، فعالان و سندیکالیست‌های ایرانی شده است—از جمله زنانی که جان خود را در راه آزادی‌ها به خطر انداخته‌اند، مانند پخشانه عزیزی، وریشه مرادی و شریفه محمدی که به دلیل حمایت از غیرنظامیان کرد و فعالیت‌های سندیکایی بازداشت شده‌اند.

این زنان در زندان‌هایی که بدترین شرایط زیستی برای زندانیان را دارند شکنجه شده‌اند، در دادگاه‌هایی ناعادلانه محکوم شده‌اند و در شرایط بسیار سخت و غیرانسانی نگهداری می‌شوند. بارها نیز گزارش شده است که زندانیان در ایران مجبور به انجام کار اجباری می‌شوند، امری که نقض مقاله نامه شماره ۲۹



سازمان بین‌المللی کار درباره کار اجباری است—یکی از معدود مقوله نامه‌هایی که ایران آن را تصویب کرده است.

همچنین سال‌هاست که " کمیسیون های کارگری اسپانیا" در محافل بین‌المللی نگرانی عمیق خود را درباره محدودیت‌های شدید آزادی‌های سندیکایی، نبود برابری فرصت‌ها و فقدان حمایت مؤثر در بازار اشتغال—بر اساس گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار، کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری و گزارش‌های جنبش سندیکایی ایران در داخل و تبعید—ابراز کرده است.

در چارچوب «ائتلاف جهانی برای حمایت از سندیکالیسم مستقل در ایران» که از سال ۲۰۱۷ توسط " کنفدراسیون جهانی سندیکایی " هماهنگ می‌شود، موارد متعدد نقض حقوق سندیکایی نیز ثبت و افشا شده است؛ مواردی که نشان می‌دهد فعالان سندیکایی و مدنی به‌طور مداوم با آزار، تعقیب قضایی و فشار روزانه صرفاً به دلیل فعالیت‌های مسالمت‌آمیز و مشروع خود روبه‌رو هستند.

از مهم‌ترین موارد نقض حقوق کارگران که گزارش شده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد

ممنوعیت سندیکاهای مستقل، پرداخت نشدن به موقع دستمزدها، خشونت شدید پلیس، بازداشت سندیکالیست‌ها و صدور احکام زندان بر اساس اتهام‌های ساختگی مانند «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» و «تشکیل گروه برای اخلاق در امنیت ملی». علاوه بر این، فعالان ایرانی حتی در خارج از کشور نیز با تهدید و آزار، و حتی خانواده‌های آنان با فشار و ارباب در داخل ایران روبه‌رو هستند.

پرونده‌های رضا شهابی، اسماعیل عیدی، علی‌رضا ثقفی، ابراهیم مددی و داوود رضوی از جمله مواردی بوده‌اند که در سال‌های اخیر توجه ویژه ما را جلب کرده‌اند.

در پایان، ما در کانال‌ها و فضاهای مختلف تلاش کرده‌ایم همبستگی با فعالان، سندیکالیست‌ها و زندانیانی را که به دلیل فعالیت‌های سندیکایی یا سیاسی خود در ایران زندانی شده‌اند برجسته کنیم، وضعیت ایران را در سازمان بین‌المللی کار و در چارچوب " کنفدراسیون جهانی سندیکایی " پیگیری کنیم. ما هم چنین مطالبات سندیکایی خود را در سازوکارهای مختلف بین‌المللی از جمله بررسی دوره‌ای جهانی سازمان ملل درباره ایران در ژانویه ۲۰۲۵ مطرح کردیم.

از ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ نیز "کمیسیون‌های کارگری" در بیانیه‌های مختلف خود خواستار آتش‌بس فوری و ازسرگیری مذاکرات صلح در خاورمیانه شده است و بر کاهش فوری تنش‌ها، پایان همه عملیات نظامی و بازگشت به میز مذاکرات، احترام به حقوق بین‌الملل و تلاش برای صلح، دموکراسی و اشتغال همراه با کرامت انسانی تأکید کرده است.

سوم فروردین ۱۴۰۵

برگردان: حمید حسینی





کارگران فولاد افراز در شهرک صنعتی ششدار، خواستار پرداخت حقوق و عیدی هستند.  
کارگران فولاد افراز در شهرک صنعتی ششدار، در تماس با خبرنگار ایلنا، از انتظار برای دریافت حقوق و عیدی خبر دادند.

این کارگران با بیان اینکه ما در هر شرایطی پای کار هستیم و لحظه‌ای تولید متوقف نشده است؛ اعلام کردند: در این شرایط، خواستار پرداخت عیدی و مزایای مزدی هستیم.  
به گفته آن‌ها، در روز عید نه حقوقی پرداخت شده و نه مزایای عیدی‌ای که حق طبیعی هر کارگر است.  
این کارگران افزودند: کارگری ستون تولید هستند. امید داریم مسئولان شرکت با احترام به زحمات کارکنان هرچه سریع‌تر به این وضعیت رسیدگی کنند تا رنج کارگران تبدیل به رضایت و انگیزه‌ای دوباره برای ادامه مسیر شود.



کارگران چگونه امنیت شغلی خود را از دست دادند؟

بیش از ۹۰ درصد از قراردادهای کار موقت است. سال‌هاست نمایندگان کارگری به دنبال حذف قراردادهای موقت از کارهای دائم هستند اما دورنمایی برای این هدف وجود ندارد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، بیش از ۹۰ درصد از قراردادهای کار موقت است. سال‌هاست نمایندگان کارگری به دنبال حذف قراردادهای موقت از کارهای دائم هستند اما دورنمایی برای این هدف وجود ندارد.

قراردادهای موقت چطور بر روابط کار مسلط شدند؟

اوایل دهه‌ی هفتاد قانون کاری که در سال ۶۹ بعد از کشمکش‌های بسیار به تصویب رسیده بود افول تدریجی خود را آغاز کرد و حقوق قانونی کارگران روز به روز دست‌نیافتنی‌تر شد. بخشنامه‌ها و دادنامه‌ها و تفاسیری که برای مشروعیت دادن به قراردادهای موقت کار بیرون آمد، نقطه‌ی آغاز این روند بود.

از همان ابتدا، ابهام در برخی مواد و تبصره‌های قانون کار راه را برای بی‌اثر کردن قانون باز کرد. از جمله ابهام در تبصره‌ی ۲ ماده ۷ این قانون، مسیر را برای ضربه زدن به امنیت شغلی کارگران گشود.

اما تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار چه می‌گفت و چگونه توانست مسیر حذف قراردادهای دائم را باز کند؟ طبق این در کارهایی که طبع آن‌ها جنبه مستمر دارد، در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد «تبصره دائمی تلقی می‌شود»؛

همان ابهامی بود که مسیر را برای تبدیل «در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود» عبارت معترضه‌ی قرارداد دائم به قرارداد موقت هموار کرد. بعدتر، دیوان عدالت اداری از مفهوم مخالف این تبصره برداشت کرد «که اگر مدت در قرارداد ذکر شود، آن قرارداد غیر دائمی تلقی می‌شود».



اما بخشنامه وزارت کار نیز به این روند کمک کرد. ماجرای بخشنامه‌ی وزارت کار چه بود؟ تا پیش از آنکه مخالفان قانون کار به دنبال بی‌اثر کردن این قانون و رواج قراردادهای موقت کار باشند، اصل بر دائمی بودن قراردادهای کارهای مستمر بود. بعد از تصویب قانون کار سال ۶۹، با استناد به بند «د» ماده ۲۱ انقضاء مدت در قراردادهای کار مدت موقت و عدم تجدید «قانون کار - که یکی از شرایط پایان قرارداد کار را می‌دانست - در صورت تمدید قرارداد موقت کار، رابطه‌ی طرفین در حکم قرارداد دائم «صریح یا ضمنی آن تلقی می‌شد. این حکم همچنین پیش از انقلاب، بیش از بیست سال در مراجع حل اختلاف صادر می‌شد و به نوعی به عرف قانونی تبدیل شده بود. این رویه و عرف قانونی اما، با بخشنامه‌ای که وزارت کار در سال در صورت تمدید مدت قراردادهای کار «۷۳ صادر کرد کنار گذاشته شد. وزارت کار در آن بخشنامه حکم کرد که «موقت برای مدت معین، قرارداد کار، نامحدود یا به عبارتی دیگر مستمر نخواهد بود

در نهایت، این حکم وزارت کار و آن عبارت معترضه‌ی تبصره‌ی دو ماده ۷ قانون کار، مبنای رأی دیوان عدالت اداری در سال ۷۵ و سربرآوردن دادنامه ۱۷۹ شد.

دادنامه‌ای که حالا بعد از گذشت حدود ۳۰ سال توانسته یک تنه، بار دفاع از قراردادهای موقت و بی‌ثبات سازی کارگران را به دوش بکشد.

**برخورداری از بیمه و تامین اجتماعی حق همه‌ی کارگران است!**

**زنده باد همبستگی کارگران!**

**متحد و متشکل علیه سیاستهای شوک درمانی و ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد!**

**\* برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**\* "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>